



واکاوی مدیریت بحران در هویت سیستمی معماری و شهرسازی معاصر ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۲۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۳/۲۹

نسیم اشرفی

استادیار گروه معماری، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس، ایران، nasim_aiandehnegar@yahoo.com

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: شناخت بحران نیازمند سیستمی کردن تئوری‌ها می‌باشد. امروزه مدیریت بحران در حوزه‌های کالبدی معماری و شهرسازی، محور توجه اکثر معماران و شهرسازان قرار گرفته است، در حالی که بحران‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در این حوزه مغفول مانده است. بحران فرهنگی به عنوان اساس سایر بحرانها، موضوعی است که بیش از پیش باید مورد توجه قرار بگیرد و بدون نگرش سیستمی در جهت سازماندهی معماران، اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و سیاست‌مداران، نمی‌توان از این بحران عبور کرد.

روش پژوهش: کتابخانه‌ای و تحلیلی

یافته‌ها: پژوهش حاضر با تکیه بر نگرش سیستمی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و با مقایسه سه روش بنیادین، طیفی و مدیریت بقا در مدیریت بحران، روش تحقیق در بحرانهای معماری را از نوع بنیادین معرفی کرده و بحران‌های مذکور را در بعد از انقلاب اسلامی در حوزه مسکن را که ریشه در پارادایم فردگرایی غربی دارد؛ مورد واکاوی قرار داده است.

نتیجه‌گیری: نگرش کلان نگر در حوزه مدیریت بحران در معماری و شهرسازی از موضوعاتی است که بیش از پیش باید بدان پرداخته شود و تا زمانی اندیشه حکمی به عنوان روح سیستم در ایجاد ساختار بین اجزای سیستم (معماران، اقتصاددانان، سیاست‌مداران و جامعه‌شناسان) نقش نداشته باشد؛ کارکرد سیستم معماری و شهرسازی محصولی عبث، گنگ و بی‌فایده خواهد بود.

واژگان کلیدی: مدیریت بحران، نگرش سیستمی، معماری، روش بنیادین

مقدمه

شهرسازان این سیستم مشخص نشود؛ بحران سیستم مرتفع نخواهد شد.

پرسش‌های تحقیق

- علت عقیم ماندن اجرای مبانی معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی در جامعه چیست؟
- آیا مدیریت بحران در معماری و شهرسازی صرفاً در کالبد آن تعریف می‌شود؟
- بحران‌های فرهنگی، اجتماعی در حوزه معماری و شهرسازی جامعه امروز ایران چگونه قابل تبیین است؟

اهمیت و هدف پژوهش

به اجرا در نیامدن بسیاری از مبانی فکری ایرانی - اسلامی در معماری، ناشی از عدم توجه سیستمی به علم و هنر معماری است. اگر تمام زمینه‌های تاثیر گذار بر معماری و شهرسازی در یک نظام یا سیستم مورد بررسی قرار بگیرند، می‌توان در مدیریت بحران‌های ناشی از فرهنگ، اجتماع، سیاست و اقتصاد که بر مقوله معماری و شهرسازی موثر هستند، اقدامی اساسی انجام داد. لذا پژوهش حاضر همواره در تلاش است با تبیین تمام بحران‌های حاصله در این حوزه را در نمونه موردی مسکن - به عنوان بنای غالب شهری - بعد از انقلاب اسلامی مورد واکاوی قرار دهد تا بتواند علت اصلی عقیم ماندن اجرای مبانی ایرانی - اسلامی در حوزه معماری و شهرسازی را که در حوزه فرهنگی بدان دست یافته است، را در ارتباط با سایر موارد مورد بررسی قرار دهد.

ادبیات و پیشینه تحقیق

با گسترش شهرنشینی و افزایش تعداد شهرهای بزرگ به خصوص در کشورهای در حال توسعه، لزوم توجه به خطرات، سوانح و بحران‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که قدمتی به عمر بشریت دارد، بدیهی به نظر می‌رسد. اما در حوزه بحران در معماری و بالاخص در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که بر معماری تاثیر گذار هستند، بحران‌های ناشی از آنها و ارتباط آنها با معماری، کمتر کسی بدان پرداخته است. بیشتر نظریه پردازان بررسی مدیریت بحران را به بررسی مشکلات بعد از سانحه و بلایای طبیعی محدود کرده اند و بررسی حوزه‌های فوق مغفول مانده است. چارلسون در کتاب «طراحی لرزه ای برای معماران» همواره تاکید خود را توجه و تاکید مستمر بر نیروهای دینامیک، سازه‌های ایمن، شکل‌پذیری

بحران‌های ناشی از حوزه‌های مختلف در معماری نیازمند نگرش سیستمی در همان حوزه‌ها می‌باشد (اشرافی ۱۳۹۵، ۵۲). حوزه سیستمی در سه مولفه کلان‌نگری، نگرش سیستمی و آینده نگری تعریف می‌گردد و اندیشمندان و معماران سیستم و مجریان، گروهی هستند که در جامعه پیچیده امروز باید از هم تفکیک شوند و اگر این تفکیک صورت نگیرد، ساختار طراحی و اجرا از نقصان جدی برخوردار خواهد شد (عباسی، ۱۳۸۶). در حل معضلات معماری و شهرسازی بایستی همواره کلان نگر بوده و به پدیده‌ها از بالا نگریست. تجزیه کردن و نگاه خرد که مشکل علوم مدرن است؛ نوعی آشفتگی را بوجود آورده است که امکان معرفت به پدیده‌ها و کسب حقیقت را مشکل نموده است و نگرش سیستمی می‌تواند در نیل به اهداف موردنظر تا حد زیادی مفید باشد (فرشاد، ۱۳۶۲).

زمانی که نظریه پردازان جامعه، نگرش کلان نگر نداشته باشند، معماران در طراحی دچار مشکل خواهند شد. از دل اندیشمندان، گروهی نظام ساز به وجود می‌آیند که جامعه را طراحی می‌کنند و بعد از طراحی جامعه، حجم وسیعی از مدیران، جامعه را اداره می‌کنند. یک سیستم کارآمد نتیجه اداره یک مدیر یا مجری کارآمد است و یک مدیر یا مجری کارآمد بایستی سیستم سازی در حوزه فعل خود را بشناسد و موفقیت هر دو منوط بر این است که اندیشه قوی پشت تمام این موارد وجود داشته باشد. از طرفی هر سیستم برای کارایی مناسب نیاز به بستر مناسب دارد. نمی‌توان با اصلاحات مقطعی قسمتهای مختلف یک سیستم، جهت بهبود کارایی آن قدمی برداشت. متأسفانه افرادی صرفاً با پرداختن به اجزای معماری، سعی در تغییر هویت معماری بنای مربوطه دارند. در صورتی که این نگرش نه تنها در حوزه معماری و شهرسازی گرایش به هویت فرهنگی را احیا نخواهد کرد، بلکه تقلید سبک غربی را نیز بر نمی‌تابد و صرفاً نوعی سردرگمی را سبب خواهد شد که خروج از آن بسیار سخت و مشکل است. برای پرداختن به این مساله، بایستی بنیادین و سیستم گونه به موضوع پرداخت. مشکل اصلی جامعه امروز در تمام حوزه‌ها، نبود اندیشه بنیادین در حل بحران‌ها می‌باشد و اندیشه پایه ای که بتوان از آن سیستمی ساخت تا مجریان به اداره آن بپردازند، وجود ندارد. به عبارتی چنانچه نسبت بین مجری و سیستم معماری و شهرسازی (بناها و محله‌ها و منطقه‌ها) و معماران و

است (اشرافی ۱۳۹۵، ۱۲۰) و اکنون ضرورت بررسی مدیریت بحران‌های ناشی از مشکلات در آن حوزه‌ها، همواره پژوهش را در جهت‌ی سوق می‌دهد که بتواند در این راستا نقش معماران و شهرسازان را در بحران‌های حاصله مشخص نماید.

روش تحقیق

پژوهش حاضر ابتدا با معرفی نگرش سیستمی و تعریف بحران در سیستم، تفکیک سیر از آرامش به بحران را مشخص نموده است که مولفه‌های تنش و تشنج را در این بین مورد مذاقه قرار داده و جایگاه بحران‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را در ارتباط با سیر آرامش تا بحران معماری و شهرسازی مشخص می‌نماید و با تعریف مدیریت بحران در حوزه‌های بنیادی و مدیریت بقا و طیفی، مدیریت بحران معماری و شهرسازی به روش بنیادی را موثر دانسته و مسکن را به عنوان مهمترین نمونه موردی که معضل جامعه امروز است را در این طیف‌ها مورد بررسی قرار داده است.

مبانی نظری

تعریف سیستم

لازم به ذکر است ارائه یک تعریف کامل از سیستم، کار دشواری است. برای سهولت در فهم این معنا، تعریف‌های چند تن از صاحب نظران را ارائه می‌دهیم. - «سیستم، مجموعه‌ای است مرکب از گروهی از اشیا و روابط بین آن اشیا که توسط ویژگی‌هایی معین، با هم وابسته یا مرتبط می‌شوند و این اجزا با محیط شان یک کل را تشکیل می‌دهند» (هال و فاگن ۱۳۷۵).

ساختمان، ماهیت اینرسی، سازه‌های پایدار، مقاوم سازی و بهبود عملکردهای ساختمان متمرکز نموده است (چارلسون ۱۳۸۹، ۲۵). همچنین مجتهد زاده در کتاب «مدیریت بحران شهری» همواره تعریف مدیریت بحران و اهداف کتاب را بر برنامه ریزی برای پیشگیری و کاهش اثرات حادثه و آمادگی برای مقابله با حادثه، جلب مشارکت مردمی در فعالیتهای پیشگیری، کاهش اثرات، آمادگی و مقابله با حادثه، رهبری فعالیتهای پیشگیری، کاهش اثرات، آمادگی، مقابله و بازسازی، نظارت و کنترل بر فعالیتهای بعد از حادثه متمرکز نموده است (مجتهد زاده ۱۳۹۱، ۲۲) و چارچوب نگرش فلاحی در کتاب «معماری و برنامه ریزی بازسازی» بر روند نحوه بازسازی بعد از سانحه‌های طبیعی تعریف شده است (فلاحی ۱۳۸۵، ۸). رضایی دولت آبادی در مقاله «طراحی مدل تأثیرگذاری فرهنگ سازمانی بر تسهیم دانش و ایجاد چابکی در مهار شرایط بحرانی با رویکرد پدافند غیرعامل» به بررسی نگرش سیستمی با عبارت تسهیم دانش در مدیریت بحران پرداخته است و سهیم دانش را مجموعه‌ای از رفتارها دانسته است که در مدیریت بحران، مستلزم مبادله اطلاعات با یکدیگر است (رضایی دولت آبادی و دیگران ۱۳۹۲، ۵۹). به ندرت پژوهشی می‌توان یافت که در باب بحران‌های فرهنگی به تحقیق و بررسی پرداخته باشد. به عبارتی نگرش سیستمی که بتواند بحران‌های ناشی از مشکلات حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را که در معماری و شهرسازی دخیل هستند، را در کنار هم کنترل نماید، مغفول مانده است. نسیم اشرافی در «کتاب مبانی نظری معماری و شهرسازی با تکیه بر نگرش سیستمی» همواره نقش حوزه‌های مذکور را در معماری به صورت نگرش سازمان یافته و سیستمی واکاوی نموده



نمودار ۱: اجزا و سازمان‌های سیستم‌های مختلف شهری و معماری

فرسودگی است، از طریق ارتباط با محیط و تبادل انرژی، مقاومت می‌کند. این پدیده را نیز آنتروپی منفی می‌گویند.

بحران و مدیریت بحران

بحران پیشامدی است که بصورت ناگهانی و گاهی فزاینده رخ می‌دهد و به وضعیتی خطرناک و ناپایدار برای فرد، گروه و یا جامعه می‌انجامد. بحران باعث بوجود آمدن شرایطی می‌شود که برای برطرف کردن آن نیاز به اقدامات اساسی و فوق‌العاده است. بحران‌ها بر حسب نوع و شدت متفاوتند. بحران یک فشارزایی بزرگ و ویژه است که باعث در هم شکسته شدن انگاره‌های متعارف و واکنش‌های گسترده می‌شود و آسیب‌ها، تهدیدها، خطرها و نیازهای تازه‌ای به وجود می‌آورد (حسینی، ۱۳۸۵).

حوادث تاریخی به ما یادآوری می‌کند که چه اتفاقاتی ممکن است در آینده رخ دهد. از این جهت بررسی گذشته از آغاز انقلاب اسلامی تا اکنون در حوزه سیر آرامش تا بحران معماری موضوعی است که با تکیه بر اسناد آن دوران می‌توان مورد بررسی قرار داد. در حالت کلی دانش مدیریت بحران شهری به مجموعه فعالیتهایی اطلاق می‌شود که قبل، بعد و هنگام وقوع بحران، جهت کاهش اثرات این حوادث و کاهش آسیب پذیری انجام گیرد. این موضوع ارتباط خاصی با مباحث برنامه ریزی استراتژیک شهری، آینده پژوهی و مدیریت شهری دارد (شهدی و دیگران ۱۳۸۹: ۱۲).

بحران در حالت کلی دو تعریف عمده دارد:

۱- به تعبیر هگل، فیلسوف آلمانی، «وقتی برای پرسش جدید پاسخ کهنه فراهم نمودید، شما با بحران مواجه هستید.» واقعیت علمی این است: بسیاری از پرسش‌های جدید که امروز مطرح هستند، پاسخ‌های کهنه برای آن‌ها تجویز می‌گردد، یا اساساً پاسخی برای آن‌ها ارائه نمی‌شود (عباسی، ۱۳۸۶). به عنوان مثال از ما سؤال می‌کنند: چگونه یک سالن را از لحاظ تهویه، خنک‌سازی؟! پاسخ ما به جای پیشنهاد سیستم هواساز یا فنکوئل، استفاده از بادبزن باشد.

۲- سیستم وقتی از تعادل خارج شود با بحران مواجه می‌شود. به عنوان مثال سیستم بدن انسان در شرایط عادی سیستمی است که تمام اجزاء در ارتباط با هم کار می‌کنند و فرد در آرامش است. اگر فرد گرفتار درد شود؛ این سیستم کم کم از تعادل خارج شده و بعد از گذشت زمان فرد دچار تنش می‌گردد. در حالت اول تمام حواس به درستی کار می‌کرد و نقصانی در

«سیستم یعنی مجموعه ای متشکل از عوامل گوناگون که روی یکدیگر به طور دینامیکی اثر می‌گذارد و برای به انجام رساندن کار و یا دست یافتن به هدف خاصی سازمان یافته اند (بیشون ودوروسنی ۱۳۷۰: ۴۰).

«سیستم مجومحه ای از اجزای به هم پیوسته ای است که آن اجزاء در راه نیل به هدف‌های معینی با هم هماهنگی دارند» (چرچمن ۱۳۷۸).
با توجه به نمودار (۱)، اگر سیستم مورد مطالعه شهر باشد؛ سازمانهای آن منطقه تا فضا را دربرمی‌گیرد و اگر سیستم منطقه باشد، سازمانها از محله تا فضا را در برخواهند گرفت و در سیستم محله ای، همواره بناها و فضاهای شامل شده و در سیستم معماری، فضاهای سازمان‌های سیستم به شمار می‌روند. سازمانها در عین حال که خود یک سیستم محسوب می‌شوند، اجزای سیستم بزرگتر یا مافوق خود نیز هستند.

کارکرد سیستم

کارکرد سیستم، همان خروجی مدنظر سیستم است یا همان هدفی است که در سیستم دنبال می‌شود. تا زمانی که اجزاء با هم رابطه معناداری نداشته باشند، خروجی یا کارکرد هم ارائه نخواهد شد. اگر سیستمی از بیرون نظم بگیرد بدین معناست که بین اجزاء ارتباط معنادار وجود ندارد. ولی اگر سیستم از درون نظم بگیرد، ارتباط معنا دار بین اجزاء وجود دارد به عبارت کلی متغیر در سیستم همان ارتباط معنا دار بین اجزاء است (آلن ۱۳۶۷: ۱۴۵).

آنتروپی سیستم

آنتروپی، قانون عمومی طبیعت است. طبق اصل دوم ترمودینامیک یعنی تبدیل تدریجی ماده به انرژی، سیستم‌ها بر اثر گذشت زمان میل به بی نظمی و فروپاشی دارند. اگر سیستم‌ها به حالت خود رها شوند و هیچ عامل بیرونی، داده یا انرژی جدید را به درون آن‌ها ارسال نکند، به تدریج تمایل به بی نظمی پیدا می‌کنند و از هم گسیخته می‌شوند. در سیستم‌های بسته، به علت عدم ارتباط با محیط، سرعت بی نظمی داخل رو به افزایش است. لذا این پدیده را که در خلاف جهت نظم درونی سیستم‌ها است را به نام آنتروپی مثبت می‌نامند. از طرفی، سیستم‌های باز، برای زنده ماندن با آنتروپی و بی نظمی مبارزه می‌کنند. برای مثال بدن انسان به عنوان یک سیستم باز در مقابل مرگ اعضا که دائما رو به

غیر اینصورت سیستم متوقف خواهد شد. مرحله آخر، شدن یا صیوروت است که بواسطه سازگاری با زمان اتفاق می‌افتد و این مرحله با وجود حقیقت در اثر یا همان کارکرد صحیح سیستم بوجود می‌آید که در عدم حضور حقیقت، سقط سیستم رخ خواهد داد (جدول ۱) حدود دو دهه می‌باشد که همواره معماری معاصر کشورمان مورد انتقاد صاحب نظران قرار گرفته و این نشانگر این است که معماری کشورمان در حال رسیدن به بحران است. باید توجه داشته باشیم که حوزه مدیریت بحران در وضع موجود مطلوب، ثبات مندی و وضع نامطلوب در بقا مندی، سه حوزه اندیشه سازان و نظام سازان و مدیران را با هم مورد تبیین قرار می‌دهد. با توجه به جدول (۲)، حروف الفبای فارسی بیست و چهار وضعیت را به وجود می‌آورد که این حرکت طیفی است. اعداد فارسی نشان گر ثبات یا بقاست و حروف لاتین نشانگر ساختار بنیادین است و سه روش مذکور در مدیریت بحران اهمیت پیدا می‌کنند (جدول ۲). (اشرافی ۱۳۹۵)

در نمودار ۳ مدیریت بحران به روش سلبی در معماری حالت آرامش، زمانی در نظر گرفته شده است که اندیشه‌ها و تئوریهای مطرح شده در این حوزه، اندیشه‌هایی باشند که در ذیل حکمت به بار نشسته باشند. امروزه بحرانی که در حوزه اندیشه معماری وجود دارد، اندیشه ضد ساختارگرایی یا دیکانستراکتیویسم می‌باشد که حق و باطل در این اندیشه هم ارزش شناخته شده است. و کلا نگرش سیستمی در این دیدگاه نفی می‌گردد. دریدا مهمترین جهت گیری پیکان خود را در این روش به قاعده مرکز-پیرامون گرفته و تلاش کرده است که آن را بی اعتبار کند (اوحدی ۱۳۸۲). و همین روند در حوزه اندیشه پست مدرن و مدرن که هر کدام مقوله‌های تشنج و تنش را در بر گرفته اند؛ نیز مطرح است. چرا که اندیشه غربی که وارد جامعه

عملکرد آن‌ها وجود نداشت. در حالت بعدی که سیستم دچار تنش می‌شود؛ تفکر انسان دچار اختلال شده و قادر نخواهد بود در چنین شرایطی به موضوعات پیچیده فکر کند؛ ولی حواس همواره عملکرد صحیحی خواهند داشت. مرحله بعدی مرحله ای است که سیستم دچار تشنج می‌شود. در این مرحله نه تنها فکر، بلکه حواس سیستم بدن نیز از کار می‌افتند. گام چهارم مرحله ای است که بدن انسان را بر روی برانکارد به بیمارستان می‌رسانند. در بیمارستان با شوک الکتریکی سیستم حیاتی را دوباره بازگشت می‌دهند. زمان در این مرحله خیلی مهم است. این مرحله، مرحله بحران است. بنابراین چهار مرحله آرامش، تنش، تشنج و بحران مراحل هستند که روند مدیریت بحران را نشان می‌دهند. (عباسی ۱۳۸۶)

یافته‌های پژوهش

ثبات مندی و نفی بقا در سیستم و مدیریت بحران
بودن، ماندن، رفتن، شدن در سیستم است که به ترتیب بقا، ثبات، تناوب و تغییر را تضمین می‌کند. اگر چنین باشد هر سیستمی استعلا پیدا خواهد کرد (عباسی، ۱۳۸۶).

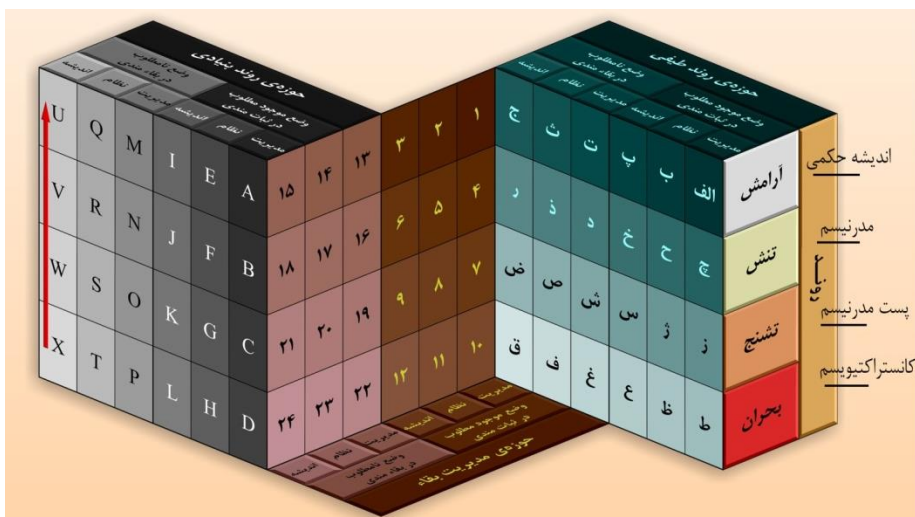
آنچه بودن یک اثر معماری را در سیستم تضمین می‌کند؛ سازگاری آن با محیط مبتنی بر اقلیم و فرهنگ است. در این حالت بقا برقرار است، در غیر این صورت فنا معنی پیدا می‌کند. مرحله بعدی تلاش برای ثبات سیستم خواهد بود که در ماندن یا ماندگاری اثر معماری نقش دارد. یعنی قوام و انسجام آن اثر. این مرحله کاملاً مبتنی است بر حس تعلق خاطر و تا زمانی که در یک سیستم معماری، انسانها نسبت به مکانی حس تعلق خاطر نداشته باشند، آن اثر قوام نخواهد داشت. رفتن، حرکت و یا تناوب در اثر معماری زمانی ایجاد می‌شود که اثر با سایر آثار معماری و محیط در تعامل باشد که در

جدول ۱: هویت سیستمی در یک سیستم معماری

بودن در اثر معماری	ماندن در اثر معماری	رفتن در اثر معماری	شدن در اثر معماری
استعلاء	قوام-انسجام مبتنی بر	دوام مبتنی بر تعامل	سازگاری با زمان مبتنی
اقلیم و فرهنگ	حس تعلق خاطر	با آثار دیگر و محیط	بر وجود حقیقت در اثر
بقا	ثبات	تناوب	تغییر
انحطاط	نفی	توقف	سقط

جدول ۲: روش‌های مدیریت بحران (عباسی ۱۳۸۶)

حوزه						وضع موجود مطلوب در ثبات مندی	وضع نامطلوب در بقاء مندی
حوزه مدیران	حوزه نظام سازان	حوزه اندیشه سازان	حوزه مدیران	حوزه نظام سازان	حوزه اندیشه سازان		
الف	ب	پ	ت	ث	ج	آرامش	
۱	۲	۳	۱۳	۱۴	۱۵	U	
چ	ح	خ	د	ذ	ر	تنش	
۴	۵	۶	۱۶	۱۷	۱۸	V	
ز	ژ	س	ش	ص	ض	تشنج	
۷	۸	۹	۱۹	۲۰	۲۱	W	
ط	ظ	ع	غ	ف	ق	بحران	
۱۰	۱۱	۱۲	۲۲	۲۳	۲۴	X	



نمودار ۲: مدیریت بحران به صورت سلبی در معماری به روش بنیادی

در حالت کلی آغاز بحران در اندیشه معماری کشورمان، زمانی بود که اندیشه فردگرایی و گرایش به مفاهیم ذهنی معماران غربی با نام کانسپت گرایی وارد جامعه هنری گردید که حقیقت را در شکل گیری آثار هنری و معماری به تدریج دچار تنش، تشنج و بحران کرد. متغیر بحران در حوزه معماری و شهرسازی حقیقت می‌باشد. طبق نمودار (۳) امروزه کانسپت گرایی حاصل از اندیشه فلسفی صرف؛ ویروس فرد گرایی را سبب شده است. انسان متاله دارای اندیشه حکمی است که این اندیشه در ترکیب حکمت و فلسفه یا حقیقت و واقعیت قادر به حیات خواهد بود. اگر واقعیت فلسفی را از

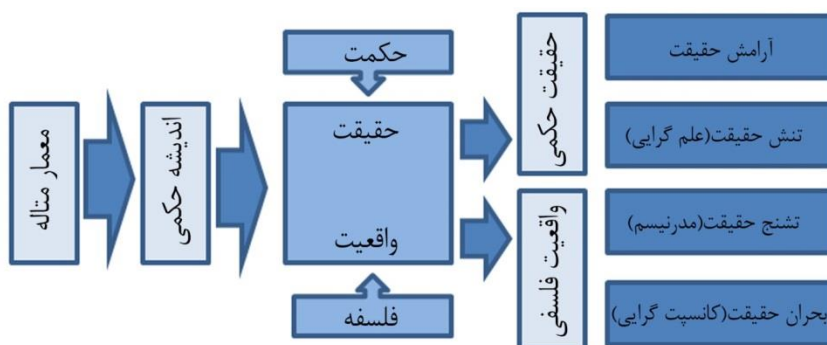
اسلامی ایران شد، در ابتدا اندیشه مدرنی بود که تمام حوزه‌ها را با تنش مواجه ساخت و به دنبال آن اندیشه پست مدرن و فیلسوفانی همچون نیچه که مرگ خدا را بر می‌تافتند- مرحله تشنج اندیشه معماری کشورمان را شامل می‌شود. لذا همواره بایستی به روش سلبی از بحران به سمت آرامش تمام اندیشه‌هایی که مطرح گردید بررسی شده و از حضورشان کاسته شود. (نمودار ۲) بنابراین روش بنیادی در معماری کارایی دارد. روش مدیریت بقا و طیفی روش‌هایی هستند که در این حوزه مورد بررسی قرار نمی‌گیرند.

توانسته ایم هفتاد و پنج درصد از وضعیت وخامت را جبران کنیم. رسیدن به مرحله عادی یعنی دوران حقیقت گرا کاری بس مشکل اما شدنی است. (نمودار ۳)

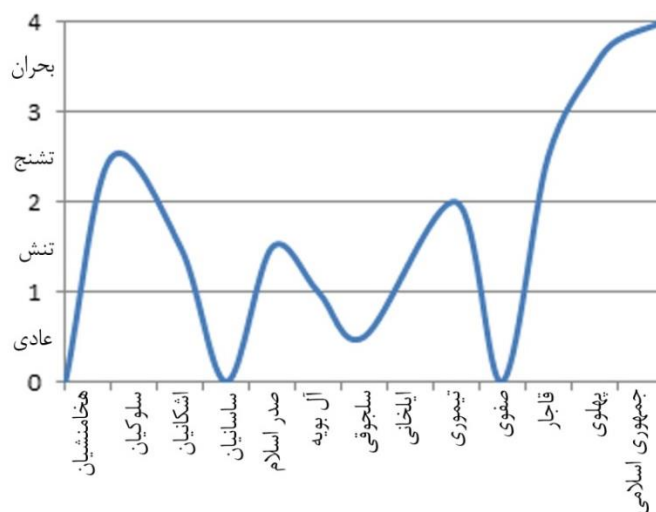
نمودار ۴، همواره تمام دوران‌های معماری کشورمان را در ۴ مرحله عادی، تنش، تشنج و بحران با توجه به جایگاه حقیقت به نمایش گذاشته است.

معماری دوران هخامنشیان از اندیشه حقیقت محور و حکمی برخوردار بوده است؛ اما در دوره سلوکیان وضعیت حقیقت به مرحله تشنج می‌رسد؛ چرا که اندیشه یونانی به یکباره به کشورمان رخنه می‌کند؛ ولی با گذشت زمان در دوره ساسانیان مدیریت بحران صورت گرفته و اندیشه حقیقت محور بار دیگر حاکم شده است. نمودار سینوسی همواره نشان گر این است که معماری کشورمان در طول تاریخ با تنش‌ها و تشنج‌هایی از لحاظ دوری از اندیشه حقیقی و حکمی همراه بوده است.

حقیقت حکمی جدا کنیم؛ اندیشه را دچار بحران کردیم. واقعیت فلسفی صرفا سبب ساز دور شدن اندیشه از حقیقت گشته است. همانطور که در نمودار شاهد آن هستیم؛ حقیقت در مرحله بحران که واقعیت فلسفی کاملا سیطره دارد، چیز دیگری وانمود شده است و آن چه ظهور می‌کند؛ کانسپت گرایی یا فردگرایی است. اگر بتوانیم این بحران را مدیریت کنیم؛ توانسته ایم بیست و پنج درصد از وضعیت وخامت اندیشه معماری در کشورمان را حل سازیم. چرا که مرحله تشنج، مرحله ای است که اندیشه مدرنیسم، حقیقت را پنهان ساخته است. پنهان سازی حقیقت و یا چیز دیگر نشان دادن آن برگرفته از تفکر فلسفی در غرب ناشی شده است. تنش حقیقت زمانی آغاز شد که رنسانس قصد بازگشت به اندیشه یونان باستان را داشت. حقیقت در آن زمان بر اثر علم گرایی دچار تنش شده بود که تاثیرش بر ایران از اواخر دوران صفوی قابل مشاهده است. بنابراین اگر بتوانیم تا مرحله تنش، مدیریت بحران انجام دهیم



نمودار ۳: ویروس کانسپت گرایی در سیستم معماری امروزه



نمودار ۴: نمودار جایگاه حقیقت در معماری و مدیریت

بحران آن در ۴ مرحله عادی، تنش، تشنج و بحران دوره‌های مختلف ایران

با توجه به نمودار ۵ برداری که از برآیند حرکت افقی و عمودی بحران ایجاد می‌شود؛ بردار آستانه تحمل است. تا زمانی این بحران پیش روی می‌کند که حد تحمل آن سیستم تمام شده و سیستم به فروپاشی می‌رسد. در این سیر همواره به نحوه ایجاد بحران توجه می‌شود. که معماران باید با مهندسی معکوس در روند سلبی، بحران زدایی کنند.

اولین مرحله بحران در حوزه معماری و شهرسازی، فرهنگی است. یعنی رسانه‌ها و تبلیغات نادرست، مدل‌های غربی در خانه سازی را وارد فرهنگ زندگی مردم ایران کردند (خانه شماره ۱). سپس مفاهیمی از قبیل عدم محرمیت فضایی، وجود اشرافیت... تا جایی وارد فرهنگ مردم کشورمان می‌شود که مسکن را دچار تنش می‌سازد (خانه شماره ۲). در مرحله بعدی رواج فرهنگ غربی سازی مسکن از دیدگاه‌های مردم به سوی شرکت‌های خصوصی تراوش می‌کند؛ طوری که اهداف همین شرکت‌ها پیاده کردن الگوهای غربی در مسکن می‌شود و باعث می‌گردد مردم نا آگاهانه خواستار الگوهایی شوند که ریشه در معماری خودی ندارند (اشرافی ۱۳۹۵، ۲۲۰). این مرحله تنش معماری می‌باشد (خانه شماره ۳). در مرحله بحران فرهنگی می‌توان، گرایش به ساخت و ساز از نوع غربی که نوعی افتخار و ابراز نوعی حرکت روشنفکری محسوب می‌شود؛ اشاره داشت و وقتی فردی از معماری سنتی سخنی به میان می‌آورد؛ نوعی عقب ماندگی برای او محسوب می‌گردد (خانه شماره ۴). بنابراین اولین مرحله در شکل گیری بحران در مسکن بعد از انقلاب، بحران فرهنگی بوده است. بعد از مرحله فرهنگی نگرش‌ها سر ریز پیدا می‌کند به ستون بعدی یعنی اقتصادی. به عبارتی مسئله غربی گرایی در مسکن بعد از این که فرهنگی شد؛ سپس به یک موضوع اقتصادی تبدیل می‌شود. به این صورت که اقتصاد در مسکن بواسطه راه حل‌های مدرنیسم در طراحی خانه‌ها از توازن خارج می‌شود. اکنون بحران در افق در حال تشدید است. به علت اپیدمی الگوهای غربی در کشور، بسیاری از سرمایه داران به فکر ساخت و ساز با این نگرش افتاده و از این طریق در دهه ۷۰ که با کاهش مسکن مواجه بودیم؛ سود کلانی را بدست آوردند. یعنی اقتصاد از مرحله آرامش وارد مرحله تنش شده است (خانه شماره ۶). و به دنبال این ساخت و سازها و کمبود زمین، بسیاری از محله‌ها و بناهای قدیمی تخریب شده و تبدیل به برج‌های سر به فلک کشیده شدند. تخریب محله‌های قدیمی به جای نگهداری و حفظ و

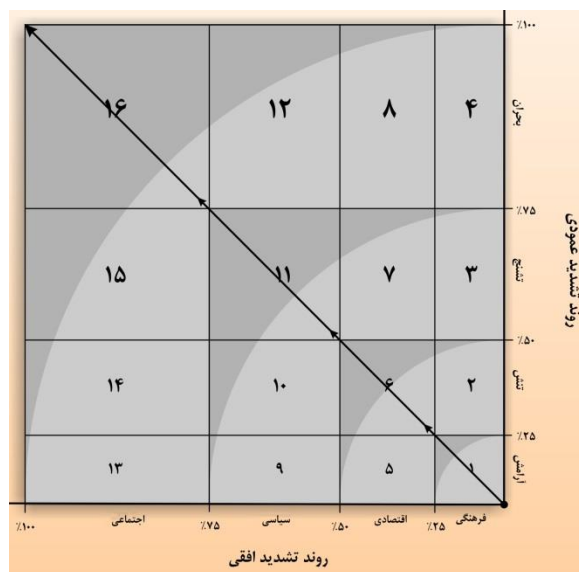
مدیریت این تنش‌ها و تشنج‌ها حائز اهمیت بوده است که وضعیت وخامت را نه تنها به حداقل رسانیده، بلکه باعث شکوفایی و تجلی حقیقت در آثار شده است. امروزه اندیشه در معماری کشورمان به بحران رسیده است. نزدیک به ۳۰۰ سال است این وضعیت دچار چالش‌هایی شده است که سیستم سازهای معمار ما بایستی بتوانند با روش بنیادین در مدیریت بحران اندیشه، چاره ای بیاندیشند؛ تا بتوانیم مرحله بحران را به مرحله تشنج ارتقا دهیم و این امر اتفاق نمی‌افتد مگر آن که تفکر و نگرش سیستمی در معماری حکمفرما شود و به نظر می‌رسد پرداختن به دوره معاصر در حوزه‌های مختلف قدرت که مطرح گردید از اهمیت بالایی برخوردار است تا اندیشه حقیقت محور دوباره در معماری احیا گردد.

مدیریت بحران در سیستم معماری و شهرسازی بر اساس چهار مولفه فرهنگ، اقتصاد، سیاست، جامعه

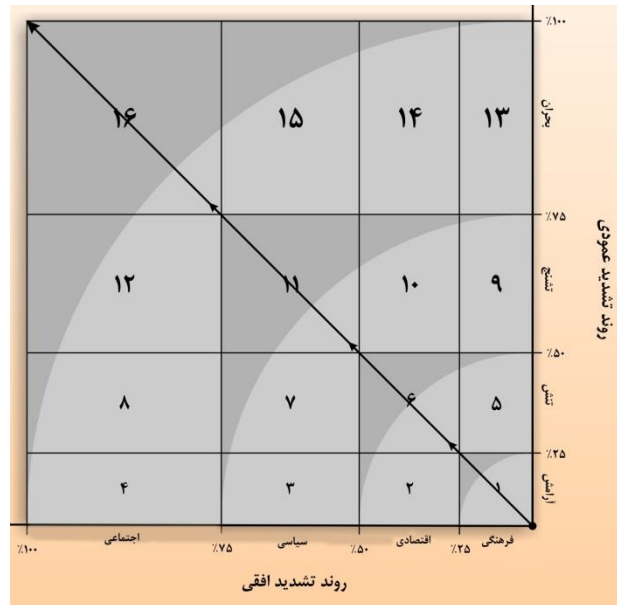
در حوزه مدیریت بحران دو نوع تشدید وجود دارد: ۱- تشدید عمودی ۲- تشدید افقی. در تشدید افقی در حوزه معماری به چهار موضوع فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پرداخته می‌شود (نمودار ۶) و حوزه عمودی به چهار حالت آرامش، تنش، تشنج و بحران تقسیم می‌شود (نمودار ۵). مطالعه موردی به علت اهمیت زیاد آن در این فرآیند، موضوع مسکن می‌باشد که زمان مورد بررسی آن به بعد از انقلاب اسلامی بر می‌گردد. هویت شهری از نوعی بارگزاری معنایی بر همه پدیده‌های شهری حرکت می‌کند که به صورت گسترده ای از فرآیند نظام ارزشی فرهنگی استفاده می‌کند. شهر، این امکان را به شهروند می‌دهد که از خلال فرآیندهای کالبدی و حرکتی در تجربه فضای شهری، تشخیص یابی و هویت یابی را برای خود ممکن کند. استفاده از الگوهای غربی در فضاهای شهری امروز ایران بی آنکه تلاشی برای همخوانی آن انجام شده باشد، گسیختگی‌هایی را در متن آن به وجود آورده است. این شرایط گسیخته در زمینه مناسبات اجتماعی در بافت مسکونی نیز بروز کرده است: رشد حاشیه نشینی بدون توسعه ی شهروندی، جنبه‌هایی از بحران وضعیت اجتماعی مسکن و رفتار جمعی در شهر. عوارض فوق منجر به رفتارهای ناهنجاری می‌شود که خود به خود در هرج و مرج اجتماعی بسط پیدا می‌کند (اربطانی و دیگران ۱۳۸۷، ۸۹).

حوزه معماری و به دنبال خلا قانونی در سیستم ساخت و ساز، سوداگران این اجازه را پیدا کنند که با پرداخت جریمه خلاف نمایند (خانه شماره ۱۱). این یعنی تشنج سیاست در مسکن. سیاست مسکن در کشور به جایی از بحران می‌رسد که بدون توجه به زیرساخت‌ها و فرهنگ به یکباره اقدام به ساخت شهرک‌هایی می‌کند به نام مسکن مهر که کلی از سرمایه کشور را متوجه خود کرده است، بدون آن که نتیجه مطلوبی داشته باشد (خانه شماره ۱۲). بعد از این مرحله و مشکلات همزمان در حوزه اجتماعی غولی به نام مسکن پدیدار شد. تهیه مسکن برای اکثر قشر جامعه به رویا تبدیل گردید (خانه شماره ۱۴). مردم به جای خرید، به اجاره نشینی و رهن رو آوردند و افزایش قیمت مسکن نیز سبب گردید به تبع آن اجاره‌ها افزایش پیدا کند و اکثر مردم در مناطقی و در مسکنی - با مترهای بسیار پایین - اجاره نشین شدند که در شان اجتماعی آن‌ها نبود (خانه شماره ۱۵). همین عامل سبب شد مفهوم فرزند در خانواده حذف شود و زوج‌های جوانی که در واحدهای کوچک آپارتمانی اجاره نشین شدند؛ وجود فرد سوم را در این شرایط ناممکن تصور نمود و این تفکر، بحران اجتماعی را به دنبال خود داشت (خانه شماره ۱۶). آن چه که در این روند بررسی شد، شیوه تشدید بحران به صورت عمودی و ستونی بود.

مرمت آن‌ها باعث شده است که اقتصاد وارد فاز تشنج شده و بیماری مسکن حادث‌تر شود (خانه شماره ۷). این روند ادامه پیدا می‌کند تا جایی که اکثر افرادی که حتی تخصص در حوزه معماری و ساختمان ندارند؛ منافع مالی خود را در این نوع حرفه جستجو کرده و تبدیل به بساز بفروش‌هایی می‌شوند که قارچ گونه در سطح کلان شهرها رشد می‌کنند. تا جایی که در دهه ۸۰ آپارتمان‌های زیادی ساخته شدند؛ ولی علی‌رغم این موضوع، قیمت مسکن بسیار بالا رفته طوری که بسیاری از خانواده‌ها قدرت خرید آن را نداشتند. این مرحله، مرحله بحران اقتصادی مسکن در کشورمان بوده است (خانه شماره ۸). بعد از مرحله اقتصادی، تشدید بحران به صورت افقی در سیاست کشور به وجود آمد. با افزایش قیمت مسکن و وجود خانه‌های خالی بسیار، اهمیت موضوع را به سوی دولت متوجه ساخت. طوری که در حوزه سیاست، مسئولین نظام به فکر تبیین سیاست‌هایی در مسکن افتادند. سازمان‌های مختلفی مانند شهرداری‌ها، نظام مهندسی و... هر کدام جداگانه به وضع قوانینی پرداختند که سیستم ساخت و ساز را دچار مشکل کرد. فروش برگه‌های نظام مهندسی و عدم نظارت صحیح بر بناها و افزایش تراکم، مسائل حوزه مسکن را بیش از پیش افزایش داد (خانه شماره ۱۰) و سیاست مسکن دچار تنش شد. به دنبال این روند تخلف در ساخت و ساز و دور ماندن از فرهنگ بومی کشور در



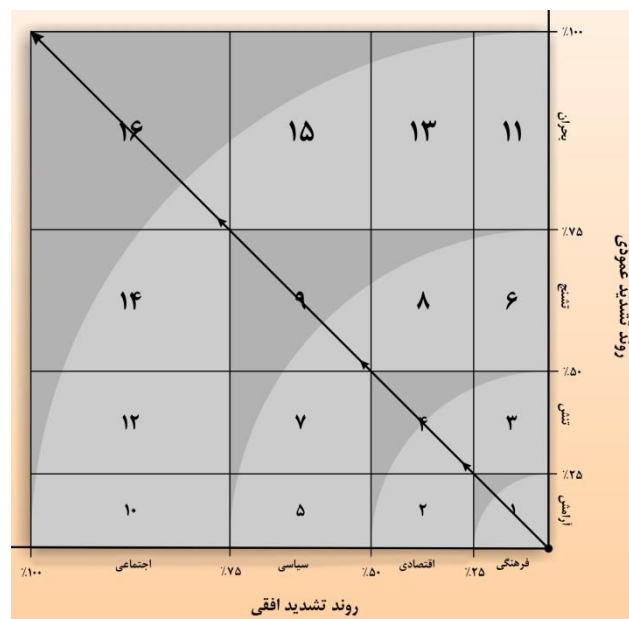
نمودار ۵: نمودار تشدید بحران در معماری به صورت عمودی



نمودار ۶: نمودار تشدید بحران در به صورت افقی (روش دوم)

هر چهار تا باهم به مرحله بحران می‌رسند. روش سومی طبق نمودار (۷)، وجود دارد که تشدید بحران به صورت برداری است به این صورت که در گام اول آرامش فرهنگ مورد هجوم قرار می‌گیرد (خانه شماره ۱). گام دوم، بحث اقتصادی می‌شود و در این حوزه متوقف می‌شود (خانه شماره ۲) تا جایی که دوباره مسئله مسکن در حوزه فرهنگی به تنش می‌رسد (خانه شماره ۳) یعنی دو طرف گام اول تقویت می‌گردد. گام چهارم دوباره مسئله اقتصاد پیش می‌آید و دچار تنش می‌شود (خانه

بررسی بحران مسکن به صورت تشدید افقی نیز امکان پذیر است. طبق نمودار (۶)، ابتدا فرهنگ غربی در مسکن رخنه پیدا می‌کند و این موضوع در اقتصاد تاثیر گذاشته (بحث سوداگران مسکن (خانه شماره ۲)) و به دنبال آن سیاستهایی جهت کنترل اقتصاد تبیین می‌شود (تنظیم قوانین در سازمانها (خانه شماره ۳)) که در اجتماع تاثیر می‌گذارد (عدم قدرت خرید) (خانه شماره ۴)). بعد از این حرکت افقی تمام چهار خانه مطرح شده، وارد مرحله تنش می‌شوند. این روند ادامه پیدا می‌کند تا



نمودار ۷: نمودار تشدید بحران در معماری به صورت برداری (روش سوم)

یا به عبارتی تبدیل به سیستم کرده است. اندیشه‌هایی همچون مدرنیسم، پست مدرنیسم و دیکناستراکشن به طور خاص، سیر اندیشه معماری کشورمان را به ترتیب در جهت تنش، تشنج و بحران سوق داده است و این اتفاق بر اثر کم رنگ تر شدن جایگاه حکمی حقیقت در اثر و افزایش نقش فلسفه غرب در هنر بر اساس پارادایم‌های علم گرایی، فردگرایی و کانسپت گرایی بوجود آمده است که تئوریهای معماری را با دو بحران بزرگ مواجه شده است که در حوزه سبکی می‌توان به دیکناستراکشن اشاره داشت و در حوزه پادارایم، ذهن گرایی را می‌توان مطرح کرد اما این روند یک روند فرهنگی و بر پایه بحران اندیشه شکل گرفته است که نیاز به مدیریتی از سنخ خود دارد. مدیریت بحران به روش بنیادین که به اندیشه می‌پردازد نسبت به روش مدیریت بقا و روش طیفی، در معماری کارآمدتر خواهد بود چرا که تا زمانی که اندیشه اصلاح نگردد؛ اقتصاد، سیاست و جامعه در این حوزه اصلاح نخواهند شد که به دنبال همین روند سه روش جهت مدیریت بحران از فرهنگ تا اجتماع در حوزه مسکن مورد تبیین قرار گرفت که نشان از نگرش سیستمی در این حوزه را بر می‌تابید به عبارتی شناخت بحران و رفع آن پیش نیاز سیستمی کردن تئوریها می‌باشد. تا زمانی که اندیشه‌های معماران، اقتصاددانان، سیاستمداران و جامعه شناسان همسو و در یک سیستم فکری رشد پیدا نکنند؛ بحران در معماری افزایش پیدا کرده و سیستم را دچار آنتروپی خواهد کرد. به عبارتی نگرش کلان نگر در حوزه معماری از موضوعاتی است که بیش از پیش باید بدان پرداخته شود و تا زمانی اندیشه حکمی به عنوان روح سیستم در ایجاد ساختار بین اجزای سیستم (معماران، اقتصاددانان، سیاستمداران و جامعه شناسان) نقش نداشته باشد؛ کارکرد سیستم محصولی عبث، گنگ و بی فایده خواهد بود.

منابع

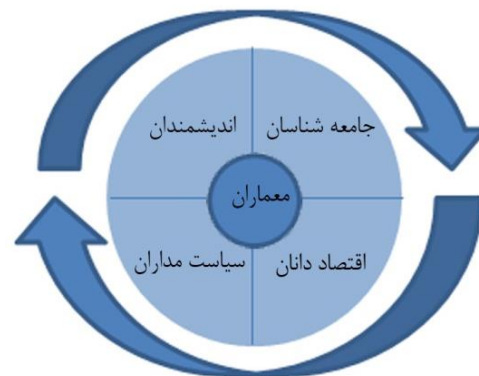
اشرافی، نسیم. (۱۳۹۵). مبانی نظری معماری و شهرسازی اسلامی با تکیه بر نگرش سیستمی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

بیشون، جون و دوروسنی، ژوئل. (۱۳۷۰). روش تفکر سیستمی. مترجم: امیر حسین جهانگللو. تهران: انتشارات پیشبرد.

شماره ۴). به عبارتی این جا شاهد تشدید همزمان افقی و عمودی بحران هستیم که به صورت زیگزاگی بالا می‌رود و همچنان رشد پیدا می‌کند؛ طوری که در خانه شماره (۵) سیاست وارد می‌شود و متوقف شده، دوباره فرهنگ دچار تشنج می‌شود (خانه شماره ۶) و بعد دوباره سیاست تاثیر گذاشته (خانه شماره ۷) و اقتصاد به تبع این، وارد مرحله تشنج می‌شود (خانه شماره ۸) و سپس خانه شماره (۹) که ضریب آستانه تحمل می‌باشد؛ کامل شده و همین روند ادامه پیدا می‌کند تا جایی که بحران در خانه شماره (۱۶) به آستانه تحمل نهایی خود می‌رسد و آن بحران اجتماعی است. خانه‌های (۱)، (۴)، (۹) و (۱۶) در این روند خانه‌های آستانه تحمل هستند.

جمع بندی

بنابر آن چه بیان شد مسکن به عنوان مهمترین عضو سیستم معماری و شهرسازی با چهار موضوع فرهنگ، اقتصاد، سیاست و اجتماع در ارتباط است. آن چه که سبب ایجاد بحران در این حوزه شده است؛ ناشی از عملکرد این چهار حوزه بوده که در حوزه مدیریت بحران و شناخت بحران تمام چهار مولفه بیان شده بایستی به صورت تک تک مورد آنالیز قرار بگیرند و این موضوع همکاری و تعامل معماران با اندیشمندان، اقتصاددانان، سیاستمداران و جامعه شناسان را بر می‌تابد (شکل ۱). که این تعامل امکان پذیر نیست مگر آن که نگرش سیستمی در این حوزه برقرار باشد.



نتیجه گیری

در جامعه معماری و شهرسازی، تئوریهای زیادی تولید می‌شوند که گاهی برگرفته از مکاتب و نظریه‌های غربی هستند و جدا از اینکه این نظریه‌های غیر بومی تا چه اندازه می‌توانند در حل مسائل معماری کشورمان کارساز باشند؛ کمتر کسی این اندیشه‌ها را سازماندهی و

هال، ا.د؛ فاگن، آر. ای. (۱۳۷۵). نگرش اجمالی بر انواع سیستم ها. مترجم: داود سلیمانی. تهران: انتشارات بازرگانی.

اربیطانی روشن دل، طاهر؛ پورعزت، علی اصغر و قلی پور، آرین. (۱۳۸۷). تدوین الگوی جامع فراگرد مدیریت بحران با رویکرد نظم و امنیت. دانش انتظامی. شماره (۱۰): ۸۴-۶۰

چارلسون، اندرو. (۱۳۸۹). طراحی لرزه ای برای معماران. مترجم: محمود گلابچی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران

چرچمن، چارلز وست. (۱۳۷۵). نظریه سیستم ها. مترجم: رشید اصلانی. تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی

حسینی، حسین (۱۳۸۵). بحران چیست و چگونه تعریف می شود. فصلنامه امنیت. ۲ دوره (۲)، شماره (۷)

راین، الن. (۱۳۷۱). فلسفه علوم اجتماعی. مترجم: عبدالکریم سروش. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

رضایی دولت آبادی، حسین؛ امانی، مجتبی و وریج کاظمی، رضا. (۱۳۹۲). طراحی مدل تأثیرگذاری فرهنگ سازمانی بر تسهیم دانش و ایجاد چابکی در مهار شرایط بحرانی با رویکرد پدافند غیرعامل. مدیریت بحران. دوره (۲)، شماره (۱): ۶۷-۵۹

شهدی، حسن، ظفری، حسین و عبدالله، ظفری. (۱۳۸۹). مدیریت شرایط اضطراری (مفاهیم و استراتژیهای برای برنامه ریزی مؤثر). تهران: شرکت آب و فاضلاب شهر.

عباسی، حسن. (۱۳۸۶). دکترین سیستم، جلسه ۲۸، جلسات کلبه کرامت. تهران: اندیشکده یقین

عباسی، حسن. (۱۳۸۶). قواعد سیستم، جلسه ۲۶، جلسات کلبه کرامت. تهران: اندیشکده یقین

عباسی، حسن. (۱۳۸۶). مدیریت بحران، جلسه ۴۵، جلسات کلبه کرامت. تهران: اندیشکده یقین

عباسی، حسن. (۱۳۸۶). هدایت آرامش، جلسه ۴۶، جلسات کلبه کرامت. تهران: اندیشکده یقین

عباسی، حسن. (۱۳۸۶). هویت سیستمی، جلسه ۳۱، جلسات کلبه کرامت. تهران: اندیشکده یقین

فرشاد، مهدی. (۱۳۶۲). نگرش سیستمی. تهران: امیرکبیر.

فلاحی، علیرضا. (۱۳۸۵). معماری و برنامه ریزی بازسازی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی

کامیار، مریم و تقوایی، علی اکبر. (۱۳۹۱). ارزیابی تأثیر طراحی مسکن مناسب بر شهروندان در راهبردهای مدیریت بحران شهروندی (مورد مطالعه: شهر جدید پرند - تهران). مدیریت بحران، دوره (۱)، شماره (۱): ۴۹-۴۵

مجتهد زاده فهیمه. (۱۳۹۱). مدیریت بحران شهری. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی